

لطفا به این مقاله چنین ارجاع دهید:

اصغرپور ماسوله، احمدرضا (۱۳۸۶) بررسی کتاب «سرمایه اجتماعی» نوشته جان فیلد، تاریخ بازیابی

روز، ماه، سال از سایت [www.hbakhshi.com](http://www.hbakhshi.com)

## بررسی کتاب «سرمایه اجتماعی» نوشته جان فیلد<sup>۱</sup>

Field, John (2003) Social Capital. Sage publications

احمدرضا اصغرپور ماسوله

دانشجوی دکترای جامعه شناسی در دانشگاه فردوسی مشهد

Ahmadreza.asgharpour@gmail.com

### درباره مولف کتاب

پروفسور جان فیلد، هم اکنون قائم مقام دانشگاه استرلینگ در انگلستان است. او در سال ۲۰۰۲ به این دانشگاه نقل مکان کرد و مدیر بخش نوآوری دانشگاهی و آموزش مداوم شد. او قبل از آن در دانشگاه های وارویک (University of Warwick) و دانشگاه اولستر (University of Ulster) خدمت کرده بود. او اولین پروفسور بریتانیا در زمینه یادگیری تمام عمر (Lifelong Learning) است. او مشاور بسیار از سازمان های دولتی در بریتانیا و دیگر کشورها بوده است. برخی از

---

<sup>۱</sup> این کتاب توسط نویسنده این مقاله ترجمه شده است و در حال انتشار است.

کتاب های او به چند زبان ترجمه شده اند. او مولف شش کتاب و چندین مقاله است. کتاب سرمایه اجتماعی اولین بار در ۲۰۰۳ چاپ شد. کتاب آخر پروفیسور جان فیلد سرمایه اجتماعی و یادگیری تمام عمر نام دارد و در سال ۲۰۰۶ منتشر شده است.

## مروری بر مطالب کتاب

کتاب سرمایه اجتماعی دارای ۵ فصل است. که مروری کوتاه برخی مطالب فصول آن خواهیم کرد. فصل اول به عنوان مقدمه قصد آن دارد که خواننده را با فضای مفهومی کتاب آشنا سازد. نویسندۀ در همان ابتدای کتاب به سادگی مفهوم سرمایه اجتماعی را در دو کلمه «اهمیت روابط» خلاصه می کند. این که افراد در جامعه از طریق روابط اجتماعی به هم متصل شده اند و مجموعه روابط اجتماعی هر فرد، شبکه اجتماعی او را تشکیل می دهند. روابط اجتماعی در بسیاری اوقات می-توانند اموری را که انجام آن ها از مجاری رسمی دشوار است آسان سازند. شبکه های اجتماعی قدرتمند موقعیت هایی را برای صاحبان آن ها فراهم می آورند که افراد بیرون شبکه از آن ها بی بهره-اند. در این زمینه نویسندۀ مثال هایی ذکر می کند از انجمن های غیردولتی قدرتمند در بریتانیا که حمایت های مهمی از اعضای خود انجام می دهند. بنابراین می توان این طور استنباط کرد که اهمیت یافتن مفهوم سرمایه اجتماعی بازگشتی است به اهمیت روابط غیررسمی.

در سال های اخیر تب مفهوم سرمایه اجتماعی در محافل آکادمیک در حوزه های جامعه-شناسی، تعلیم و تربیت، اقتصاد و مدیریت بسیار گسترش یافته است. این تب حتی به محافل عمومی و جراید رسیده است. در نشر مفهوم سرمایه اجتماعی تاثیر رابرت پاتنام، عالم علوم سیاسی آمریکایی را نمی توان نادیده گرفت. او همانند یک مبلغ عملگرا دیدگاه های خود را باشور و حرارت فراوان در رسانه ها و جراید در آمریکا و اروپا تبلیغ کرد.

بررسی روابط اجتماعی در حوزه جامعه شناسی امری چندان جدید نیست. الکسی دوتوکویل، مولف فرانسوی، دیده ها و تحلیل خود از سفر به فرانسه را در سال ۱۸۳۲ در کتابی با نام تحلیل دموکراسی در آمریکا منتشر ساخت. آن چه بیش از همه توجه توکویل را به خود جلب کرده بود فعالیت پرشور آمریکایی ها در انجمن های داوطلبانه بود. او این کنش های متقابل را چسبی می دانست که جامعه آمریکا را به خوبی حفظ کرده است. امیل دورکیم، جامعه شناسی فرانسوی در آثار خود بیش از همه دغدغه همبستگی اجتماعی را داشته است. تمایز کلاسیک او میان دو نوع همبستگی ارگانیک و مکانیک، هنوز کاربرد دارد. از نظر دورکیم در جوامع سنتی که کارها اندیشمندانه نبود و ساختارها اجباری بودند، همبستگی مکانیک وجود داشت اما در جامعه مدرن که شهرها سرشار غریبه- هاست و مقررات حکم فرمایی می کند، همبستگی ارگانیک وجود دارد. مشابه چنین تمایزی را می- توان در دیدگاه فردیناند تونیس نیز باز یافت.

اما خود مفهوم سرمایه اجتماعی عمری چندان طولانی ندارد. حداقل می توان گفت کاربرد آن به مفهوم امروزی آن عمری طولانی ندارد. شاید یک عامل موثر در مطرح شدن مفهوم سرمایه اجتماعی غمگساری است که هر روزه برای اضمحلال جامعه در رسانه ها می شنویم. بسیاری هستند که آروزی بازگشت به جامعه سنتی را دارند. اما نویسنده این سیاه بینی ژورنالیستی را قبول نمی کند و روابط گوناگون و انتخابی دنیای امروز را نکته ای مثبت می داند. علاوه بر این علاقه روزافزون عالمان علوم اجتماعی به بررسی تجربه های فردی (به خصوص در کارهای میستال و ستومپکا) زمینه رونق سرمایه اجتماعی را فراهم کرده اند. به این عوامل می توان گرایش برخی اقتصاددانان به تبیین های اجتماعی را نیز بر این عوامل افزود.

در فصل اول کتاب، روند شکل گیری مفهومی سرمایه اجتماعی توضیح داده شده است. به همین خاطر نام این فصل «از استعاره تا مفهوم» است. مولف ابتدا انواع سرمایه و سرمایه فیزیکی را

معرفی می کند. سپس مفهوم سرمایه انسانی را که رهاورد نظری شولتز و بکر است معرفی می کند. تمام این انواع سرمایه در اقتصاد با جزئیات مورد بررسی قرار گرفته اند. این انواع سرمایه قابل اندازه گیری و بررسی سود و زیان آن ها هستند اما روابط اجتماعی به سادگی قابل سنجش نیستند. ضمن این که روابط اجتماعی به سادگی قابل انتقال نیز نیستند.

بین اندیشمندان حوزه سرمایه اجتماعی توافقی ضمنی وجود دارد مبنی بر این که دیدگاه های پیر بوردیو، جیمز کلن و رابرت پاتنام، اندیشه های کلاسیک این حوزه هستند. بوردیو به عنوان یک جامعه شناس اروپایی در ابتدا چندان دغدغه سرمایه اجتماعی نداشت. او کار خود را با مردم شناسی در الجزایر آغاز کرد. او ابتدا عادتواره و سپس سرمایه فرهنگی را معرفی کرد. منظور او از سرمایه فرهنگی عناصر فرهنگی بود که گروه های مسلط از آن ها برای بازتولید نابرابری استفاده می کنند. تا این جا سرمایه اجتماعی در میان مفاهیم او جایگاهی حاشیه ای داشت. بوردیو در آثار بعدی خود بیشتر به سرمایه اجتماعی پرداخت. او سرمایه اجتماعی را مجموعه منابعی می دانست که افراد از طریق داشتن شبکه های اجتماعی پایا و نهادی شده می توانند برای خود کسب کنند. باید توجه کرد که دغدغه بوردیو همواره نابرابری بوده است. او سرمایه اقتصادی را ریشه تمام انواع سرمایه می دانست. اما به هر حال در پی آن بود که دریابد غیر از سرمایه اقتصادی چه عوامل دیگری در بازتولید نابرابری نقش دارند. برخی مولفان دیدگاه های بوردیو را منسجم ترین رهیافت در سرمایه اجتماعی دانسته اند اما از آن جایی که بوردیو تنها به جنبه های منفی سرمایه توجه داشت (یعنی سرمایه اجتماعی را تنها برای صاحبان آن یعنی فرادستان جامعه مفید می دانست) دیدگاه های او امروزه در پژوهش ها کمتر مورد ارجاع قرار می می گیرند.

جیمز کلن جامعه شناس برجسته و متفاوت آمریکایی هم مانند بوردیو از شخصیت های برجسته در حوزه آموزش و پرورش است. کلن دیدگاهی بین رشته ای داشت و قصد داشت جامعه -

شناسی و اقتصاد را با هم پیوند دهد. او برای این کار از جامعه شناسی انتخاب عقلانی استفاده کرد. کلمن هم مانند بوردیو به بررسی نابرابری موفقیت تحصیلی دانش آموزان علاقمند بود. مشهورترین پژوهش های او در همین زمینه هستند. از جمله پژوهشی که در دهه ۱۹۶۰ و به درخواست دولت آمریکا درباره موفقیت و فرصت تحصیلی در میان شش قوم اصلی آمریکا انجام داد. این پژوهش مشهور امروزه با نام گزارش کلمن شناخته می شود. کلمن مقاله ای کلاسیک نیز درباره سرمایه اجتماعی دارد که هنوز هم یکی از مهمترین منابع ارجاع در پژوهش های سرمایه اجتماعی است. او در این مقاله بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی پرداخت. او این دو مفهوم را مکمل هم می دانست. کلمن تعاریف مختلفی را برای سرمایه اجتماعی ارائه داده است که مهمترین و مشهورترین آن ها در کتاب بنیان های نظریه اجتماعی او آمده است. کلمن می گوید سرمایه اجتماعی بوسیله کارکرد آن تعریف می شود. سرمایه اجتماعی ماهیت خاصی ندارد بلکه هر چیزی که دارای این دو ویژگی باشد سرمایه اجتماعی است: اول آن که جزئی از ساختار اجتماعی باشد و دوم آن که انجام کنش های خاصی را برای کسانی که در این ساختار عضو هستند تسهیل کند. کلمن دیدگاهی محافظه کار داشت و به همین خاطر علاقه زیادی به ساختارهای سنتی سازنده سرمایه اجتماعی نشان می داد از جمله خانواده و کلیسا. تلاش کلمن برای بنا نهادن نظریه انتخاب عقلانی حداقل تاکنون چندان موفق نبوده است. ضمن این که دیدگاه های او به خاطر محافظه کاری و تاکید بر ساختارهای کهن مورد انتقاد قرار گرفته است.

رابرت پاتنام، با انتشار کتاب برجسته خود به نام بولینگ تکفهره، نام خود را بر سر زبان ها انداخت. نقطه عزیمت پاتنام مشکلی است که در ساختار مدنی جامعه آمریکا احساس کرده است. پاتنام را بیش از هر چیز یک نوکویلی می دانند. او نگران است که نقاط مثبتی را که توکویل در قرن نوزدهم در جامعه آمریکا دیده است، ناپدید شوند. اولین تحقیقات پاتنام در ایتالیا انجام شد و سپس با

بررسی هایی که در جامعه آمریکا انجام داد، ادامه یافت. پاتنام هم تعاریف مختلفی را در آثار خود برای سرمایه اجتماعی ارائه داده است. یکی از مهمترین تعاریف او چنین است: این مفهوم به ارتباطات بین افراد- شبکه های اجتماعی و هنجارهای انتظار عمل متقابل و قابل اعتماد بودن که از آن ها ناشی می شوند- اشاره دارد». پاتنام بین دو نوع سرمایه اجتماعی تمایز قائل شده است: سرمایه اجتماعی پیونددهنده (bridging) و سرمایه اجتماعی محدود کننده (Bonding). اولی اجزاء مختلف جامعه را به هم پیوند می دهد و دومی تنها اعضاء گروه خاص را به هم پیوند می دهد و دیگران را حذف می کند. نقطه عزیمت پاتنام آن است که سرمایه اجتماعی در آمریکا در حال فرسایش است. او نگران است که افراد دیگر تمایل ندارند که در لیگ های رسمی بولینگ بازی کنند بلکه ترجیح می دهند تنها با آشنایان خود بازی کنند. او برای بررسی تجربه ادعای خود از پیمایش های گوناگونی که در جامعه آمریکا در طول چند دهه گذشته انجام شده است استفاده کرد. پاتنام به چهار عامل به عنوان عوامل موثر بر فرسایش سرمایه اجتماعی در آمریکا اشاره می کند. اول، اشتغال افراطی که خانواده هایی که در آن ها هر دو والدین شاغل هستند را با مشکل مواجه می کند. عامل دیگر، نامناسب بودن نهادهای مدنی است به گونه ای که با آن که افراد وقت زیادی را صرف این طرف و آن طرف رفتن در شهر می کنند اما منزوی هستند. عوامل دیگر تفریحات الکترونیکی خانگی و تلویزیون است.

پاتنام برای این اهمیت فرسایش سرمایه اجتماعی را نشان دهد به بررسی رابطه آن با برخی شاخص های رفاه و سلامت پرداخته است. سطح تحلیل او در این جا ایالت است. او نمودارهایی رسم کرد که نشان دهنده رابطه میان میزان سرمایه اجتماعی در ایالت ها و دیگر شاخص های مهم رفاه و سلامتی بود. نتیجه تحلیل او آن بود که سرمایه اجتماعی با شاخص های مثبت همبستگی مثبت و با شاخص های منفی همبستگی منفی دارد.

تحلیل های پاتنام منتقدان و طرفداران زیادی دارد. برخی مولفان صحت تحلیل های او را مورد سوال قرار داده اند. برخی دیگر به شاخص های او ایراد وارد کرده اند و برخی دیگر تعمیم نتایج او در آمریکا به دیگر مناطق را نادرست دانسته اند.

پاتنام بعدها تمایز وولکاک میان سه نوع سرمایه اجتماعی را پذیرفت و تحلیل خود را کامل تر کرد. وولکاک انواع سرمایه اجتماعی را چنین نام می برد: سرمایه اجتماعی محدودکننده (bonding) که مشخص کننده پیوند میان افراد مشابه در موقعیتی های مشابه است، سرمایه اجتماعی پیوند دهنده (bridging) که در بر دارنده پیوندهای میان افراد دورتر است مانند همکاران و دوستان و سرمایه اجتماعی مربوط کننده (linking) که افراد نامتشابه را در موقعیت های نامتشابه به هم پیوند می دهد.

فصل دوم کتاب بررسی قدرت شبکه های اجتماعی نام دارد. در این فصل مروری بر پژوهش های که در حوزه های گوناگون درباره سرمایه اجتماعی صورت گرفته است، انجام شده است. در حوزه سرمایه اجتماعی و آموزش و پرورش، که یکی از پررونق ترین حوزه مطالعاتی سرمایه اجتماعی است، بورديو و کلمن تاثیری ماندگار داشته اند. در بیشتر پژوهش های انجام شده رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و موفقیت در آموزش و پرورش تایید شده است. همچنین برخی یافته ها می گویند که سرمایه اجتماعی می تواند تاثیر کمبود اقتصادی بر موفقیت تحصیلی را تا حدی جبران کند. پژوهشگران از نگاه محافظه کارانه کلمن نسبت به وظیفه مادری انتقاد کرده اند و نشان داده اند که اشتغال مادر تاثیر چندانی بر سرمایه اجتماعی خانواده ندارد، به جز هنگامی که مادر کاری کم مهارت را انجام می داده است که بر توانایی زبانی کودک موثر بوده است. همچنین پژوهش هایی درباره تاثیر سرمایه اجتماعی یادگیری بزرگسالان انجام شده است که اغلب آن ها موید تاثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر یادگیری تمام عمر بوده است.

در بخش بعد مولف به بررسی پژوهش های انجام شده در زمینه نقش ارتباطات یعنی همان سرمایه اجتماعی در اقتصاد پرداخته است. در این زمینه تاثیر سرمایه اجتماعی بر یافتن شغل به خوبی بارها تایید شده است. همچنین پژوهش های درباره شبکه روابط میان کارفرمایان انجام شده است. در استرالیا وجود شبکه روابط میان هتل داران موجب شده است که آن ها بتوانند کارایی خود را بالا ببرند. همچنین ویژگی شرکت های ژاپنی تهیه موارد از خارج شرکت است که بوجود آورنده روابطی قوی میان شرکت هاست. شبکه ها و خوشه های تجاری نقش زیادی در نوآوری و مبادله دانش دارند. ویژگی صنعت لوازم خانگی دانمارک و یکی از عوامل موفقیت آن، وجود انجمن اجتماعی مدیران است. اما ادعاهای مربوط رابطه میان سرمایه اجتماعی و توسعه کشورها هنوز تایید نشده است. یک علت آن است که شاخص های سازی های متفاوت، مقایسه میان کشورها را بسیار دشوار می کند.

مزایای سرمایه اجتماعی برای بخش سلامت و رفاه هم مورد بررسی قرار گرفته است. این ایده که پیوستگی اجتماعی بر سلامت فکری و جسمی موثر است، چندان جدید نیست. پژوهش های بسیاری این رابطه را تایید کرده اند. پاتنام چهار دلیلی برای وجود این رابطه ذکر کرده است: اول، شبکه های اجتماعی می توانند وسائل ملموس مادی را فراهم کنند، دوم آن که آن ها هنجارهای سلامت را تقویت می کنند، سوم دسترسی به خدمات پزشکی را افزایش می دهد، و آخر این که کنش تقابل می تواند به تحریک سیستم ایمنی بدن کمک کند. همچنین پژوهش هایی درباره تاثیر شبکه های روابط اجتماعی بر تصحیح سبک های زندگی انجام شده است.

سابقه بررسی رابطه میان جرم و کجروی و سرمایه اجتماعی به زمان جین جاکوبز در دهه ۱۹۶۰ میلادی می رسد. مطالعه ای که در آمریکا انجام شده نشان می داده است که سرمایه اجتماعی در سطح ناحیه تاثیر مهمی بر وقوع برخی جرائم مهم دارد. کمبود سرمایه اجتماعی در محله یعنی ضعف



نظارت غیررسمی که می تواند موجب افزایش وقوع جرائم شود. همچنین داشتن سرمایه اجتماعی خانوادگی می تواند از تمایل نوجوانان به گروه های بزهکار بکاهد.

در بخش بعد مولف سعی می کند انواع سرمایه اجتماعی و تمایزات آن ها را در آثار نظریه-پردازان جدیدتر بررسی کند. او تمایز وولکاک میان انواع سرمایه اجتماعی و نیز تمایز پاکستون میان انواع تاثیرات سرمایه اجتماعی را توضیح می دهد. نکته مهم در کار پاکستون آن است که می گوید باید بین تاثیرات سرمایه اجتماعی در سطح فردی و تاثیرات سرمایه اجتماعی در سطح اجتماع تمایز قائل شد.

در فصل سوم مولف قصد دارد سوی تاریک سرمایه اجتماعی را بررسی کند. بارزترین مثال سوی تاریک سرمایه اجتماعی، شبکه روابط قوی است که در میان دسته های بزهکار وجود دارد. در واقع در اغلب مواقع، سرمایه اجتماعی برای صاحبان آن مفید است، اما آن چه از آن به عنوان سوی تاریک سرمایه اجتماعی یاد می شود، پیامد وجود سرمایه اجتماعی در میان گروهی اندک برای اجتماع بزرگ تر است. به این ترتیب هرگونه همکاری صمیمانه میان افراد عضو یک شبکه می تواند برای کسانی که از عضویت در آن شبکه محروم هستند، زیان بار باشد. هیچ کدام از مولفان اصلی در حوزه سرمایه اجتماعی نسبت به سوی منفی آن بی توجه نبوده اند.

مولف به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و نابرابری پرداخته است و نشان داده است که براساس پژوهش های گوناگون، گروه های ذینفع از طریق شبکه روابط خود، دیگران را از دستیابی به منابع کمیاب محروم می کنند. پژوهشی که در لهستان انجام شده نشان داده است که دسترسی به شبکه های اجتماعی مهم تر، بیش از تحصیلات در موفقیت ثروتمندان موثر است. همچنین پژوهش دیگری در سوئد نشان داده است که برای پذیرفته شدن در دوره فوق تخصص پزشکی، داشتن رابطه با اساتید عضو شورای گزینش عامل مهمی است. همچنین در میان محرومین تکیه بیش از حد بر شبکه های

محدود خود، عاملی برای محرومیت بیشتر می شود. گاهی اوقات هنجارهای موجود در شبکه های اجتماعی محرومین، آن ها را وادار به قبول محرومیت می کند و انگیزه تحرک را در آن ها از بین می برد. بنابراین تفاوت های کیفی که در محتوای شبکه روابط اجتماعی وجود دارد خود عامل مهمی است. به هر حال هر شبکه روابط اجتماعی اگر بسیار بسته باشد می تواند برای دیگر اعضای جامعه بزرگ تر آسیب زا باشد. همچنین اگر هنجارهای موجود در شبکه روابط ویژگی های خاصی داشته باشند که موجب بروز برخی رفتارهای ناخوشایند برای جامعه بزرگ تر گردد، باز هم سرمایه اجتماعی می تواند از نظر گروه بزرگ تر آسیب زا باشد. محدود بودن و حذف کننده بودن شبکه روابط بیش از همه در بررسی ها مورد توجه قرار گرفته و مذموم شمرده شده است.

در فصل چهارم به بررسی سرمایه اجتماعی در جهان مدرن و پسامدرن پرداخته شده است. تغییرات تکنولوژیک پرشتاب همگان را متحیر کرده است و چیزی که مانوئل کاستلز آن را جامعه شبکه ای می نامد، رخ داده است. فن آوری، تاحد زیادی توانایی انسان را برای کنترل سرنوشت خود و البته تخریب سرنوشت خود افزایش داده است. در چنین جهانی بسیاری از همکاری های اجتماعی در حال تغییر هستند. اما به عقیده مولف از اهمیت روابط غیررسمی هنوز کاسته نشده است. ماکس وبر دیوان سالاری را یکی از ویژگی های جامعه مدرن می داند. مزیت دیوان سالاری آن است که امور را از حالت شخصی خارج می کند و امکانات برابری را در مقابل مقررات در اختیار افراد قرار می دهد. اما امروزه آن چه برخی آن را سرمایه داری بی سازمان می خوانند، جانشین سرمایه داری دیوان سالارانه شده است.

پاتنام در بررسی های خود به این نتیجه رسیده است که بیشتر آمریکاییان در مقایسه با دو یا سه دهه گذشته با اجتماع خود ارتباط کمتری دارند. اما تحلیل پاکستون نشان داد که اعتماد در آمریکا کاهش اندکی داشته است ضمن این که تغییرات اعتماد در آمریکا سال به سال با توجه به وقایع روز

تغییرات زیادی کرده است. به عنوان مثال اتفاقاتی که برای شخصیت های مهم می افتد و در رسانه ها مطرح می شوند می توانند بر میزان اعتماد اجتماعی موثر باشند. علاوه بر این داده های مربوط به کشور آلمان نشان می دهد که کاهش سرمایه اجتماعی در دوران ما، امری فراگیر نیست. چون در آلمان چنین چیزی رخ نداده است. البته داده های مربوط به بریتانیا تا حدی شبیه ایالات متحده است.

رابطه سرمایه اجتماعی و ارتباطات مجازی هم در پژوهش هایی مورد بررسی قرار گرفته اند. پاتنام یک فصل از کتاب بولینگ تکنفره را به این موضوع اختصاص داده است. او درباره تاثیر این گونه ارتباطات مردد است. چرا که این ارتباطات به کسانی اختصاص دارد که مهارت لازم را دارند. ضمن این که این گونه روابط از آن جایی که رودرو نیستند، چندان جدی و اعتماد آمیز نیستند. فوکویاما معتقد است که ارتباطات مجازی، روابط اجتماعی را تخریب می کند. اما نتایج پژوهش های انجام شده نشان می دهد کسانی که از اینترنت بیشتر استفاده می کردند بیش از دیگران عضویت انجمنی داشتند. همچنین تفاوتی میان کاربران و غیرکاربران اینترنت از نظر اعتماد مشاهده نشده است. بیشتر شواهد نشان می دهند که کنش متقابل اینترنتی می تواند کنش متقابل رودرو را تقویت و حتی کامل کند.

مولف در بخش بعدی این فصل به بررسی پیامدهای فروپاشی کمونیسم در کشورهای بلوک شرق و سرمایه اجتماعی در آن ها پرداخته است. سرمایه اجتماعی در این کشورهای صورت های گوناگونی، مثبت یا منفی، به خود گرفته است. اما در حالت کلی به نظر می رسد که تغییرات ناگهانی رخ داده در این کشورها، موجب تخریب سرمایه اجتماعی مثبت شده است.

در بخش بعد، خانواده و پیوندهای ابتدایی در عصر پسامدرن بررسی شده اند. تحقیقات نشان می دهد که خانواده هنوز نقش محوری خود را دارد و به نظر نمی رسد که در آینده نزدیک هم نقش خود را از دست بدهد. در بریتانیا، نزد ۷۲ درصد کودکان، معتمدترین افراد والدین آن ها بوده اند. البته

اهمیت پیوندهای دوستانه نسبت به پیوندهای خانوادگی رو به رشد است و آخر این که تغییرات شدید در سطح ملی و بین المللی، با آن که ماهیت بسیاری از روابط را تغییر داده اما از اهمیت روابط غیررسمی به هیچ وجه نکاسته است بلکه زمینه برای ظهور روابط جدید آماده کرده است.

در فصل پنجم به بررسی سرمایه اجتماعی به عنوان یک سیاست اجتماعی پرداخته شده است. سرمایه اجتماعی از ابتدا رابطه نزدیکی با سیاست اجتماعی و برنامه ریزی اجتماعی داشته است. گواه این ادعا توجهی است که سازمان های بین المللی تاثیرگذار مانند بانک جهانی و سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه به آن کرده اند. تاثیرات این ایده را می توان در میان سیاستمداران راه سوم و به خصوص تونی بلر در بریتانیا یافت. از دیدگاه برخی مولفان نباید دخالتی در ساختن سرمایه اجتماعی در اجتماعات صورت گیرد. آن ها سرمایه اجتماعی را صرفا پوششی برای علل مادی نابرابری ساختاری می دانند و به برنامه های مربوط سرمایه اجتماعی بدین هستند. از طرف دیگر مولفان نولیبرالی مانند فوکویاما هم چندان روی خوشی به دخالت دولت در امور ندارند. همچنین پیامدهای ناخواسته مداخله در امور مدنی برخی را واداشته است که در این زمینه با احتیاط بیشتر سخن بگویند. به هر حال حتی کسانی که طرفدار مداخله برای بوجود آوردن سرمایه اجتماعی در جوامع هستند بر پیچیده بودن کار تاکید می کنند. دلایلی که برای لزوم مداخله در بوجود آوردن سرمایه اجتماعی ارائه می شود عبارتند از: اول، اگر دولت سعی می کند که توزیع فرصت ها را در میان شهروندان خود عادلانه تر سازد، پس از آن جایی که سرمایه اجتماعی ابزار مهمی در رسیدن به فرصت هاست پس نباید نسبت به آن بی- تفاوت باشد؛ دوم، هم اکنون هم تصمیمات دولت بر سرمایه اجتماعی گروه ها موثر است. بسیاری از برنامه های آموزشی و ترویجی دولت بر سرمایه اجتماعی موثر هستند بی آن که به آن توجه شود؛ خود کنشگران اجتماعی هم اکنون به اهمیت سرمایه اجتماعی پی برده اند و اگر دولت در این زمینه بی- تفاوت باشد آن گاه خود آن ها دست به کار خواهند شد و ممکن از سرمایه اجتماعی استفاده نامطلوبی

کنند؛ چهارم این که توجه به سرمایه اجتماعی موجب می شود خود دولت هم دیدگاه خود را نسبت به محرومیت تقویت کند و به منابعی که خود اجتماعات دارند بیشتر توجه کنند. نکته آخر این که بسیاری از شهروندان هم از تخریب سرمایه اجتماعی گله مند هستند.

بحث بعد مربوط به سنجش سرمایه اجتماعی است. بسیاری از سازمان و مولفان سنجش سرمایه اجتماعی را یکی از چالش های مهم در این زمینه دانسته اند. بسیاری از سنجه های بکار رفته در پژوهش کمی برداری صرف و بدون تطبیق با زمینه اجتماعی خاص مورد نظر بوده است. همچنین درباره ابعاد سرمایه اجتماعی هنوز اتفاق نظری وجود ندارد. همچنین بسیاری از اوقات تمایز میان انواع سرمایه اجتماعی در سنجش آن مورد توجه قرار نگرفته است.

در زمینه چگونگی عملیاتی کردن و بوجود آوردن سرمایه اجتماعی به شیوه های گوناگونی اشاره شده است. یکی از این ابزارها آموزش و پرورش است. همچنین آموزش والدین در مدارس، تشویق فعالیت های شهروندی، و حمایت های فعالیت های داوطلبانه در این زمینه می تواند موثر باشد. علاوه بر این خود دولت هم می تواند از سرمایه اجتماعی سود ببرد. واگذاری برخی کارهای به سازمان های داوطلبانه در بسیاری کشور ها از هزینه های دولت ها کاسته است. در مجموع مولف پیشنهاد کرده است که دولت به عنوان یک توانمند ساز عمل کند.

در فصل آخر کتاب که نتیجه گیری نام دارد، مولف به جمع بندی مطالب ارائه می پردازد. دیدگاه های منتقدانی بیان شده است که اصولا با به کار بردن اصطلاح سرمایه اجتماعی مخالف هستند. در جواب، مولف با ارجاع به تعریف کلاسیک کلمن از سرمایه اجتماعی خود را مجاز به کاربرد این ترکیب می داند. از سوی دیگر برخی منتقدان می گویند اصلا نیازی به کاربرد این واژه جدید نیست چرا که قبل از این همین مباحث مورد توجه بوده و بررسی شده اند. این منتقدان می گویند مبدعان سرمایه اجتماعی تنها نام جدیدی را آورده اند، چیزی به آن نیافزوده اند. اما نویسنده معتقد است که

ترکیب سرمایه اجتماعی زمینه بوجود آمدن نگاهی جدید به مساله بوده است. مولف تاکید می کند که سرمایه اجتماعی سازه‌ای رابطه‌ای است. سرمایه اجتماعی در جایی مفید است که روابط بین فردی و ارزش های مشترک وجود داشته باشند. مولف دوباره اشاره ای کوتاه به انواع سرمایه اجتماعی و پیامدهای ناخوشایند برخی انواع آن می کند. در نهایت مولف دوباره بر تغییر روابط در جهان معاصر تاکید می کند و می گوید از آن جایی که ویژگی روابط در جهان امروز مهارت های عقلانی و بازاندیشی است، پس باید به فکر آموزشی جامع برای کودکان و بزرگسالان بود.

### نقد و نظر

تب مفهوم سرمایه اجتماعی با اندکی تاثیر نسبت به تب جهانی آن در ایران هم گسترش یافته است. در این زمینه تاکنون چند کتاب ترجمه و منتشر شده اند. پژوهش های تجربی نسبتاً زیادی هم در این زمینه انجام شده است. در این مجال سعی می شود که به اختصار به برخی از مشکلاتی که در زمینه پژوهش در سرمایه اجتماعی در ایران وجود دارد و بحث های ارائه شده در کتاب پروفیسور فیلد اشاره شود. این بحث را می توان در دو موضوع کلی خلاصه اول سطح تحلیل سرمایه اجتماعی است و دوم تعریف عملیاتی آن.

همان طور که در مرور کتاب به اجمال به آن اشاره، تمایز ظریف و مهمی میان سطوح تحلیل سرمایه اجتماعی وجود دارد. به نظر روشن است که هنگامی که شما می خواهید سرمایه اجتماعی را مورد سوال قرار دهید، به سراغ ویژگی های روابط اجتماعی و پیامدهای آن روابط اجتماعی برای صاحبان آن می روید. حال باید کدام پیامدها را مورد سوال قرار دهیم؟ به عنوان مثال باید بینیم فرد مورد نظر ما آیا دارای روابطی است که او را در رسیدن به خواسته هایش (یا منابع کمیاب جامعه) یاری دهند؟ یا باید بینیم آیا روابط اجتماعی او حائز ویژگی هایی است که برای گروه و اجتماعی او مفید

باشند؟ شاید هم بخواهیم منافع ملی را مد نظر قرار دهیم و بپرسیم که آیا ویژگی هایی که در روابط اجتماعی او موجود است در نهایت به کشور کمکی می کند یا خیر؟ پس می بینیم سوال اساسی این است که روابط اجتماعی مورد بررسی، قرار است به چه کسی سود برسانند. بی توجهی به این امر پژوهشگران را به گمراهی می اندازد و گاه باعث بدفهمی پژوهش های سرمایه اجتماعی می شود. به عنوان مثال اگر در پژوهشی از پاسخگو، به عنوان شاخصی برای سرمایه اجتماعی، پرسیده شود که تا چه حد به عموم همشهریان خود اعتماد دارد؟ ممکن است فردی بگوید داشتن اعتماد زیاد به عموم شهروندان چه نفعی برای فرد دارد؟ و شاید داشتن اعتماد زیاد به عموم شهروندان نشانه بلاهت فرد باشد! چرا که احتمالاً می تواند برای او زیان هایی هم داشته باشد. اما پژوهشگری که چنین سوالی را مطرح کرده است در جواب می تواند بگوید که هدف او سنجیدن سرمایه اجتماعی شهر بوده است و نه فرد. بنابراین وارد تحلیل شهر بوده است و نه فرد. انتقاد وارد شده هنگامی صحیح است که بخواهیم با سوال بالا سرمایه اجتماعی افراد را بسنجیم. پس سرمایه اجتماعی گاه اعتماد است (اعتماد به خودی) و گاه بی اعتمادی (افراد بیرون گروه). این بحث در کتاب جان فیلد کمتر مورد بررسی قرار گرفته است و اشاره مستقیم به آن نشده است.

نکته دوم آن است که منتقدان بسیاری سرمایه اجتماعی را مفهومی بیگانه دانسته اند و مدعی شده اند که نمی توان با ابزارهای وارداتی غربی سرمایه اجتماعی را در ایران و دیگر کشورها سنجید. این انتقاد کاملاً درست است کما این که مولف هم به آن اشاره کرده است. اما باید توجه داشت که انتقاد به ابزار سازی را نباید به خود مفهوم هم تسری داد. تعریف صحیح و روشن از سرمایه اجتماعی می تواند به عملیاتی کردن آن کمک های زیادی کند. احتمالاً ذخایر سرمایه اجتماعی در هر جامعه با دیگر جوامع تفاوت هایی دارد. در هر جامعه این ذخایر در بخشی کمتر و در بخشی دیگر بیشتر است.

بررسی عدم تقارن در توزیع سرمایه اجتماع در حوزه‌های مختلف (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) موضوع جذابی است که در این کتاب به آن پرداخته نشده است.